



ASIAN AND MIDDLE EASTERN STUDIES TRIPOS PART IA

Middle Eastern Studies

Wednesday 6 June 2012

13.30 – 16.30

MES. 3 PERSIAN LANGUAGE

*Answer **all** questions.*

*Write your number **not** your name on the cover sheet of **each** answer booklet.*

STATIONERY REQUIREMENTS

*20 Page Answer Book x 1
Rough Work Pad*

SPECIAL REQUIREMENTS

None

**You may not start to read the questions
printed on the subsequent pages of this
question paper until instructed that you may
do so by the Invigilator.**

SECTION A

Translate the following two passages into English [20 marks].

I. Unseen passage

- روزی بود و روزگاری بود. مردی بود که چشمش «احول» بود یعنی یکی را دو تا ۱
می دید و از بس به این علت در کار خود اشتباه می کرد کار مرتبی به او نمی دادند. ۳
در شمردن اشتباه می کرد، در راه رفتن اشتباه می کرد، و دایم باید حساب می کرد ۵
که چند تا می دید و درستش چند تا است. هزار جور بدبختی در دنیا هست، او هم این ۷
نقص را داشت اما نکته سنج و شیرین بود و همانطور که گاهی این عیب مایه غصه ۹
و ناراحتی می شد گاهی هم اسباب خنده و تفریح خودش و دیگران را فراهم می آورد ۱۱
و به هر حال با کمک دیگران زندگی می کرد. ۱۳
یک روز از شهری به شهری سفر کرد و چون دستش خالی بود پیش کسی داستان ۱۱
خود را گفت و از او کمک خواست. ۱۳
آن شخص گفت: «چرا پیش حاکم نمی روی؟ ما حاکمی داریم که بسیار دارنده و با ۱۱
سخاوت است و برای همه کسانی که مانند تو علیل و ناتوانند یک مستمری معلوم ۱۳
کرده است و هر ماه پنج دینار به ایشان اعانه می دهد و این برای یک زندگی ساده ۱۳
کافی است. برو خودت را معرفی کن و یک باره خیالت را آسوده کن.»

Line 1: Squint-eyed

احول

Line 5: Punctilious, Witty

نکته سنج

Line 11: Pension, Allowance

مستمری

2. Seen Passage

۱	لیلی دختر دانی جان و برادر کوچکش نیم ساعتی بود در باغ انتظار ما را می کشیدند. بین خانه های ما که در یک باغ بزرگ ساخته شده بود دیواری وجود
۳	نداشت. مثل هر روز زیر سایه درخت گردوی بزرگ بدون سر و صدا مشغول صحبت و بازی شدیم. یک وقت نگاه من به نگاه لیلی افتاد. یک جفت چشم سیاه
۵	درشت به من نگاه می کرد. نتوانستم نگاهم را از نگاه او جدا کنم. هیچ نمی دانم چه مدت ما چشم در چشم هم دوخته بودیم که ناگهان مادرم با شلاق چند شاخه ای بالای
۷	سر ما ظاهر شد. لیلی و برادرش به خانه خود فرار کردند و مادر تهدید کنان مرا به زیر زمین زیر شمد برگرداند. قبل از اینکه سرم به کلی زیر شمد پنهان شود چشمم
۹	به ساعت دیواری افتاد. سه و ده دقیقه کم بعد از ظهر بود. مادرم قبل از اینکه به نوبت خود سرش را زیر شمد کند، گفت «خدا رحمت کرد داییت بیدار نشد و گرنه
۱۱	همه تان را تکه تکه می کرد.»
	مادرم حق داشت. دانی جان نسبت به دستوراتی که می داد خیلی تعصب داشت.
۱۳	دستور داده بود که بچه ها قبل از ساعت پنج بعد از ظهر حتی نفس نباید بکشند. داخل
	چهار دیواری باغ نه تنها ما بچه ها مزه نخوابیدن بعد از ظهر و سر و صدا کردن در
۱۵	موقع خواب دانی جان را نچشیده بودیم، بلکه کلاغها و کبوترها هم کمتر در آن
۱۷	محدوده پیدایشان می شد چون دانی جان چند بار با تفنگ شکاری آنها را قلع و قمع کرده بود.

از دانی جان ناپلئون، اثر ایرج پزشکزاد

Adapted on the basis of classroom discussions from Wheeler M. Thackston, *An Introduction to Persian* (Bethesda: IBEX, 1993), pp. 229-30.

(TURN OVER)

SECTION B

3. Choose **one** of the following topics for a composition in Persian of about 100 words [30 marks].

- a) Write a review of a film you have recently seen.
- b) Describe a city that you have recently seen for the first time.
- c) Write a letter to the Iranian Embassy to explain your reasons for wishing to visit Iran.
- d) Explain how you intend to improve your Persian over the summer.

SECTION C

Answer **all** the following questions [20 marks].

1. Give the infinitive and the negative imperative (singular) forms of these verbs in Persian:

- a) to wash
- b) to become
- c) to read
- d) to ask
- e) to memorize

2. Translate the following sentences into Persian:

- a) Shakespeare is the greatest playwright of the Renaissance.
- b) Yesterday morning we went for a walk outside the town.
- c) Not even his enemies could claim that he was selfish or cruel.
- d) If I had read the letter yesterday, I would definitely have come.
- e) After I crossed the bridge, I met a large number of idle people who invited me to chat with them.

3. Analyse the following and translate them into English:

- a) بشویش
- b) چایش نمی کنند
- c) آرایشگر
- d) زنانه
- e) سبزیجات

4. Complete the sentences with the correct form of the terms given in brackets and translate the complete sentences.

- a) تا به حال بیشتر فیلمهایی اصغر فرهادی از تلویزیون (پخش شدن).....
- b) به من گفت: «دوست دارم که همیشه پیشم (ماندن).....»
- c) بعد از زمین (خوردن) برخاست و لباسهایش را با دست (تمیز کردن)
- d) مرد مست و خراب از میخانه (بیرون آمدن)..... و افتان و خیزان به راه (افتادن).....
- e) او آنقدر بی رحم است که از کشتن هیچکس ابائی (نداشتن).....

END OF PAPER